

# تاریخ ستیزی، یعنی ملت ستیزی

دکتر عبدالرفیع حقیقت (رفیع)

مدیر هیأت مؤلفان و مترجمان ایران و انجمن دانش پژوهان ایران

□ به گزارش خبرگزاری مهر، رییس گروه مطالعات تاریخ وزارت آموزش و پرورش گفته بود که:

«در چاپ جدید کتاب‌های تاریخ در مقاطع راهنمایی و متوسطه رویکرد فرهنگی و تمدن‌پرور، جایگزین تاریخ‌نگاری‌های سیاسی و نظامی و پادشاهان و جنگ‌ها می‌شود و با این رویکرد پادشاهان و جنگجویانی نظیر چنگیزخان مغول یا سلطان محمدشاه و پادشاهان دیگری از این دست، از درس‌ها برداشته می‌شود.»

این گفته، بسیار موجب تعجب و حیرت محققان تاریخ بویژه نگارنده گردید و بسیار تأسف خوردم که این اندیشه‌ی محدود چقدر در سرنوشت آینده‌ی ملت ایران تأثیر منفی خواهد گذاشت... **ارنست رونان** محقق بزرگ اروپائی می‌فرماید: «مردم کشوری که تاریخ می‌دانند، کودکان‌شان مانند بزرگ سالانند، و مردم کشوری که تاریخ نمی‌دانند، بزرگ‌سالانشان همانند کودکان‌اند.»

شخص آگاه همیشه تواناست و هر بدبختی و بدسرنجامی که نصیب بشر خواهد شد، در اثر ناآگاهی است. آگاهی تاریخی یکی از برزنده‌ترین آگاهی‌های هر انسان زنده‌ی جستجوگراست و ناآگاه بودن هر فرد یا اجتماعی از حوادث و وقایع تاریخ گذشته‌ی خود، غم‌انگیزترین و فاجعه‌بارترین حادثه‌ی زندگی فردی و اجتماعی خواهد بود و این امر از نادیده گرفتن تجربیات علمی گذشتگان نیز

خطرناک‌تر است. زیرا در اثر نادیده گرفتن یک تجربه‌ی علمی، یک عده یا گروهی محدود و معدود در زحمت و ناراحتی قرار خواهند گرفت ولی نادیده انگاشتن تجربیات تاریخی و سیاسی، یک قوم یا ملتی را برای همیشه یا لاقلاً برای مدتی دراز در ورطه‌ی سختی و بدبختی خواهد انداخت، به ویژه با وجود آمدن انواع پدیده‌های ابداعی استعمارگران حيله‌گر، متأسفانه آن ملت در جهالت و عقب‌ماندگی مطلق باقی خواهد ماند.

تردیدی نیست که خنثی کردن و از بین بردن ترفندهای سیاسی و فکری استعمارگران کهنه و نو که اهداف استعمارگرانه‌ی خود را زیر عناوین حمایت از مردم و آزادی‌خواهی و برقراری دموکراسی و غیره به ملت‌های ناآگاه و عقب‌نگاه داشته شده ارائه و تحمیل می‌کنند و هر زمان با تشکل و شیوه‌ی خاصی زیر عناوین مختلف به ظهور می‌رسانند، جز به آگاهی وسیع تاریخی و سیاسی ممکن نیست.

چه بسیار دیده شده زمانی که ملتی در اثر روشن‌بینی برخی از روشنفکران واقعی و میهن‌پرست خود از جور و استبداد حاکم در کشور خود به جان آمده است، استعمارگران چاره‌اندیش طبق برنامه‌های پیش‌بینی شده با حربه‌ی آزادی‌خواهی و به منظور رهایی مردم آن سامان از قیدوبند استبداد با ابزار جدیدی تحت لوای استقرار حکومت قانون و پارلمان فرمایشی و ایجاد اختلافات مذهبی و حمایت از انشعاب مذهبی و ایجاد

مذهب‌های ساختگی (مانند دوره‌ی قاجاریه) و غیره، استبداد گروهی محدود را به جای استبداد فردی جایگزین کرده و حربه‌ی مبارزه با استبداد را در عمل از مردم گرفته‌اند و از این طریق به اهداف خود در دراز مدت بیشتر کمک کرده و مطمئن‌تر از پیش شده‌اند و در نتیجه ریشه‌ی پوسیده‌ی فساد را کنده و به جای آن ریشه‌های فساد نو و مطمئن‌تری به نام‌های ظاهر فریبانه‌ی مردم‌خواهی و حمایت از طبقه‌ی محروم و پائین اجتماع کاشته‌اند. زیرا همان‌طور که در تاریخ جنبش سرداران نوشته‌ام: «تاریخ دفتر ثبت مطالب دورانی است که دوران دیگر قابل یادداشت می‌داند. تجربیات گذشته تنها در نو و حال قابل تفهیم است. و زمان حال را فقط در پرتو نو و گذشته می‌توان درک کرد.»

به قول دکتر سیدحسین نصر محقق برجسته‌ی معاصر: «دیگر نمی‌توان با جهل درباره‌ی گذشته به سوی آینده رفت، چون گذشته فقط گذشته نیست، بلکه ریشه‌ی حال و آینده است. بویژه در مسائل مربوط به تفکر و معارف و امور سیاسی و اجتماعی که فوق زمان و تقسیم‌بندی‌های بین گذشته و حال و آینده قرار داد.»

آگاهی‌های تاریخی بویژه تاریخ سیاسی هر کشور عبرت‌نامه‌ی هر ملتی است که همراه با افتخارات و گاه مذلت‌های عبرت‌انگیزی است که تحقیق در آن برای هر ملت نتیجه بخشی‌های روشنی برای آینده خواهد داشت. افتخارات **کوروش** کبیر، خدمات اجتماعی و ارتباطی و شادی‌آفرینی **داریوش** کبیر، خدمات فرهنگی **نصر بن احمد سامانی** در ایجاد نظم و نثر دری، حتی سهل‌انگاری‌های سلطان محمد خوارزمشاهی و شاه

از آن بگیرند، ولی ایران همیشه باقی خواهد ماند. زیرا اصولاً این ملت نمی‌تواند بمیرد. من هر زمانی که به این ملت می‌اندیشم به فکر آن سنگ خرابی افتم که امواج دریا آن را به هر سو می‌غلطاند و به آن ضربت می‌زنند و سرانجام به گوشه و کنار ساحلش می‌افکند تا باد و باران و آفتاب همه‌ی نیروهای خود را برای درهم شکستن آن به کار برند. اما این سنگ خارا هم‌چنان که در اصل وجود داشته، باقی می‌ماند و گذشت زمان و شدت عنصری که به آن حمله‌ور می‌شوند در نابودی آن اثری نخواهد داشت.» ■

## از شاهنامه‌ی امین

سید حسن امین

وطن ای مهین خاک عنبرسرت  
 که با تو درآمیختم سرنوشت  
 سرای ردانی و آزادگان  
 شبستان عشاق و دلدادگان  
 به خاک تو سر داد، گاه نبرد  
 بسا سربداران و مردان مرد  
 تو ای خاک خرسندی و خرمی  
 نیاشی ز خصم خطاخو غمی  
 به تاریخ تو گر کسی بنگرد  
 تو را مهد فرهنگ و دین بشمرد  
 تویی خاستگاه هنرپروری  
 تویی مهد مردی و گندآوری  
 من از زخم خوردم به راحت، چه غم؟  
 مباد از سرت مویی ای مام! کم!

## دوست و سرور ارجمند جناب حسن رهبر

درگذشت همسر شایسته و بزرگوارتان را صمیمانه به جناب عالی و خانواده‌ی معظم تسلیت می‌گوییم.  
 روحش شاد و یاد و خاطره‌اش بر دوام باد.  
 مهدی امیرسرداری - پروفیسور سید حسن امین - پاشا بهادری -  
 هادی توفیقی - احمد سمیعی - رضا سجادی - یحیی  
 صادق وزیری - فضل‌الله کاسمی - محمد کشاورزبان - مهندس  
 کریم معتمدی - دکتر محمدرضا جلالی نائینی - احمد ناظمی -  
 مسعود هدایت (نقل از: روزنامه‌ی اطلاعات، ۱۳ دی ۱۳۸۸)

سلطان حسین صفوی و فتحعلی‌شاه قاجار در مقابل مغولان و افغان‌ها و روسیه‌ی تزاری و غیره را باید مردم ایران به ویژه جوانان به طور گسترده و آگاهانه بدانند و عبرت بگیرند و عواقب غم‌انگیز این سهل‌انگاری‌ها را نصب‌العین حال و آینده قرار دهند. چطور می‌توان خدمات اشکانیان را در مبارزه و قیام بر ضد سلوکیان که مدت ۸۰ سال ایران را زیر سلطه‌ی سیاسی و اندیشه‌ی یونانی ادا می‌کردند نادیده گرفت و مبارزات و دل‌آوری‌های ابومسلم خراسانی و یعقوب لیث صفا و طاهر ذوالیمینین و جلال‌الدین خوارزمشاهی را از یاد برد - (چو اشک و قیامش به یونانیان - تهی کرد ایران ز بیگانگان) چطور می‌توان از پادشاهان سربداران نخستین حکومت شیعه در ایران صرف‌نظر کرد. چطور می‌توان خدمات اولیه نظامی نادرشاه افشار را در مبارزه با قومی که با عده‌ی قلیل ایران را تسخیر کرده بودند، به فراموشی سپرد و در تاریخ قهرمانان ملی ایران به علت جنگجویی آنان را حذف کرد که اگر روزی بیگانه‌ای از آنان نام ببرد، فرزند دانش‌آموخته‌ی ایرانی از آن بی‌اطلاع باشد؟!!

تاریخ با عمیق‌ترین مسائل اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و اقتصادی و عقیدتی مردم هر سرزمین ارتباط ناگسستی دارد. تاریخ مادر علوم انسانی است. هر کس که فراز و نشیب تاریخ کشور خود را نداند، از محیط خود بیگانه است و به همین علت اظهارنظر او در امور اجتماعی و سیاسی ناآگاهانه است. آثار مربوط به پادشاهان که خدمت و خیانت آنان می‌تواند عبرت آیندگان باشد در تشریح و توضیح بیش‌تر آن‌ها در کتاب‌های درسی اقدام کنند زیرا همان‌طور که ژ. بولوسی گفته است:

«ایران و روح ایران یعنی ویژگی‌های اخلاقی اصلی و دائمی آن از تمام تحولات سیاسی و اجتماعی جاودانه است. لحظه‌ای تاریکی که کم و بیش بر این کشور گذشته بسیار زودگذر و موقتی بودند، و تغییراتی که این سرزمین به خود دیده فقط با سطح خارجی ویژگی‌های اخلاقی آن بر خود داشته.»

**کنت دوگو بینو** پژوهشگر و سیاست‌مدار و دانشمند فرانسوی در کتاب خود که مربوط به سه سال سفر در آسیا ۱۸۵۵-۱۸۵۸ میلادی است درباره‌ی تاریخ سیاسی ایران نوشته است:

«هجوم‌هایی که به سرزمین ایران شده و پیروزی‌هایی که ملل و اقوام خارجی در این کشور به دست آورده‌اند، همواره با ناکامی روبه‌رو شده است زیرا فاتحین خارجی در این سرزمین خیلی زود نیروی خود را از دست می‌دهند و نابود می‌شوند، بدون آن‌که بتوانند به شخصیت و آزادی معنوی ایران آسیبی وارد سازند. ممکن است حتی نام آن را